

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد که بحثی را که مطرح کردیم در مکاسب راجع به اکراه و حقیقت اکراه و الجاء و عرض کردیم در مصادر قدیم تر اهل سنت به جای الجاء تلجئه هم آمده و عرض کردیم به لحاظ لغوی الجاء باب افعال است تلجئه باب تفعیل است مثل تبصره تکمله ، کمل یکمل تکمیلا و تکمله ، مصدر دوم باب تفعیل است و در عبارت تصادفا تعجب است آقای سنهوری هم در عبارت مصادر الحق همان تلجئه را بیشتر آورده الجاء اصطلاحا آنجایی است که فاقد قدرت است یک دفعه مثلا گلوله می گیرد می گوید این آب را بخور روزه است افطار بکن یک دفعه نه دهانش را باز می کند و آب را در دهان او می ریزد این را اصطلاحا الجاء می گویند .

که در این روایت مبارکه ظاهرا این درجه یا حالا درجه ای که با آن عذاب و عقاب و اینها باشد تعبیر به جبر شده است.

عرض کردیم این یک روایت واحده ای است که ما داریم در این روایت واحده امام سلام الله علیه فرق بین جبر و اکراه می گذارند و می گویند جبر من السلطان والاکراه من الزوجة والاب والام، این طوری تعبیر شده است.

عرض شد به اینکه الان متعارف ما در اکراه یعنی فشار آوردن، شاید مثلا تصور بکنیم شاید به عکس باشد زن نمی تواند در اکراه فشاری بیاورد، سلطان می تواند، مثل همان مثالی که خواندیم مثالش در اهل سنت گفت آنجا شلاقها را گذاشته بود و دو نفر آدم سیاه پوست هم گذاشته بود و غل و زنجیر و اینها هم گذاشته بود گفت باید طلاق بدهی و الا کتک می زنیم و اینها در غل و زنجیر می اندازیم. این می شود اما زن که مثلا غل و زنجیر و شلاق و این ترتیب را که .

علی ای حال این را گفتیم یک توضیحی داده بشود راجع به حدیث چون حدیث، حدیث واحدی است دیگر نظیر ندارد یک مقداری هم راجع به شرح حدیث گفته بشود.

این حدیث واحد ابتداء در کتاب کلینی آمده بعد در کتاب فقیه که کتاب فتوایی شیخ صدوق است، و در عده ای از کتب دیگر ایشان مثل امالی و اینها آمده متنش یک اختلاف مختصری دارد، یک کلمه از یک جا افتاده است، بعد هم در کتاب شیخ طوسی در تهذیب آمده است. پس در مشایخ ثلاثه حدیث را نقل کردند. این حدیث به این لحاظ شواهد برش هست بینیم آیا قابل قبول هست یا نه متنش قابل قبول است یا نه .

این حدیث را در این کتاب متاخر ما مرحوم صاحب وسائل در ایمان آوردند، قاعدتا در ایمان آوردند، در کتاب ایمان که آن ما به حسب آن چاپ قدیم مراجعه می کردیم جلد شانزدهم کتاب ایمان، کتاب ایمان وسائل را بیاورید باب یازده .

یکی از حضار: باب ان الیمین لا تتعقد

آیت الله مددی: باب یازده و باب شانزده

یکی از حضار: ولا جبرا ولا اكره

آیت الله مددی: باب یازده و باب شانزده دو باب در دو باب ایشان این حدیث را آورده و عرض کردیم کرارا و مرارا و تکرارا یکی از نکاتی که بر صاحب وسائل هست حدیث را وقتی در دو باب می آورد مثلا در یک باب از دو مصدر تخریج می کند، در باب دیگر از چهارتا مصدر، یعنی آدم تا باب را جرد نکند هر دو باب را دقیقا نمی داند این حدیث در چند جا وجود دارد این هم یکی از مشکلات کتاب وسائل است. که حالا ممکن است در یک جا بیاورد بعد اشاره بکند که کامل در فلان باب مثلا ما این را تخریج کامل کردیم.

به هر حال حدیث را در این کتاب باب یازده از دو مصدر نقل می کند اما در باب شانزده بیشتر مصادر را مفصل می آورد و یک نکته ای را هم مرحوم آقای ربانی مرحوم شیخ عبدالرحیم رحمه الله در ذیل حدیث در باب یازده دارند که من همیشه عرض کردم بعضی از نکات فنی ایشان در حاشیه شان دارند چون ایشان جزو اعضاء همین گروه وسائل به اصطلاح آن وقت می گفتند وسائل، گروه وسائل کسانی بودند که مشغول، مرحوم آقای بروجردی تشکیل دادند ۲۱ نفر، ۲۲ نفر برای تالیف جامع الاحادیث یکی هم ایشان بود. و ایشان انصافا غیر از این کاری که در زمان استادشان داشتند بعدش هم در این قسمت خودشان مستقلا کار کردند آثار خوبی دارند من جمله در این مقدمه ای معانی الاخبار یک شرح مفصلی راجع به صدوق و مشایخ صدوق و البته تکرار دارد ملتفت نشدند. مشایخ صدوق را آوردند زحمت خوبی کشیدند، خودشان.

من همیشه عرض کردم این آقایانی که در درس مرحوم آقای بروجردی جوان بودند بعدها بعضی هایشان خیلی زحمت کشیدند این راهی را که آقای بروجردی مطرح کردند خوب دنبال کردند، یکی شان مرحوم آقای ربانی در این حواشی که ایشان در وسائل زده بعضی از نکات لطیف دارد، این خیلی قابل تامل است یعنی لطیف است اولاً مثلا در آن زمان این کتاب نوادر چاپ نشده بود، در زمان ما نوادر احمد اشعری چاپ شده آن زمان چاپ شده بود نوادر احمد اشعری و ایشان نگاه می کرد دید در فقه الرضا آمده و لذا اگر مرحوم صاحب وسائل می گوید فی نوادر، احمد اشعری در نوادر زیرش نوشته فقه الرضا، نکته اش این است، الان در جامع الاحادیث می نویسد نوادر، چون نوادر

الان چاپ شده است. این نسخه‌ی نوادر که عرض کردیم نسخه‌ی مرحوم شیخ حر عاملی است چاپ شده همان نسخه‌ی شیخ حر چاپ شده است. آن وقت نبود.

خوب به تنبه پیدا کرد، البته نوشته نکته‌ی فنی را، پس تنبه پیدا کرده بود که این، و همین نوادر همین هم که در فقه الرضاست راست است و توضیح عرض کردیم، توضیحا عرض کردیم در قرن یازدهم یک مجموعه‌ی حدیثی از مکه آمد که اسمش شد فقه الرضا یک مجموعه‌ی حدیثی هم که با سند است پشتش نوشته بود نوادر این را مرحوم صاحب وسائل به اسم نوادر احمد، استنساخ کردند، نسخه‌اش هم نفیس نبوده، نوشته هزار و هفتاد، هشتاد، این تاریخ استنساخ نسخه است ایشان هفت سال، هشت سال بعد استنساخ کردند نسخه‌ی نفیسی نبوده ایشان به عنوان نوادر آن را استخراج کردند مرحوم صاحب بحار همین نسخه در اختیار ایشان بود، ایشان در کتاب بحار آقایان اگر نگاه بکنند چون یک نکته‌ای هم دارد که من برای این جهت این مطلب را اینجا می‌گویم که آمادگی ذهنی بشود به عنوان ین، رمزی که برای او زده ین، ین یعنی یا مال حسین بن سعید است یا مال نوادر است.

صاحب وسائل آن را گفته نوادر، صاحب بحار شک کرده که این کتاب مال حسین بن سعید است یک کنایه از حسین بن سعید نون هم نوادر، این کتاب حسین بن سعید است ایشان با رمز ین از آن نقل می‌کند، این رمز ین در کتاب بحار همین کتابی است که اسم نوادر. از طرف دیگر این نوادر بعینه در وسط فقه الرضا هم بوده یعنی فقه الرضا اولش فقه است، طهارت و صلاة و اینها بعدش این نوادر است، بعد از آن فقه این است و لذا عرض کردیم این فقه الرضایی که الان چاپ کردند زحمت کشیدند چاپ کردند نوادر را ندارد، یعنی وقتی کتاب آقای ربانی را می‌خوانیم مثلا نوادر را از فقه الرضا، در فقه الرضای موجود نیست. یک فقه الرضا چاپ سنگی دارد آقایان کسی تمایل داشت آن را احیاء بکند یک فقه الرضای چاپ سنگی هست که با مقنعه‌ی شیخ مفید فقط دو تایی، مقنعه‌ی شیخ مفید با فقه الرضاء چاپ شده، چاپ سنگی آن فقه الرضایی است که در اختیار صاحب بحار بوده است. آن فقه الرضای کامل آن نسخه‌ای که از مکه آوردند آن وقت این درس این نوادر هم هست، آن فقه الرضا خیلی مخلوط است خیلی درب و داغان است.

علی ای حال نسخه‌ی چاپی فقه الرضا آن است که نسخه‌ی خود مرحوم مجلسی است این فقه الرضایی فعلی که چاپ کردند تقریبا می‌شود گفت که نصفش است چاپ کردند آن که جنبه‌ی فقه داشته آن که جنبه‌ی حدیث و سایر و لقمان و یک چیزهایی هست آن‌ها را حذف کردند کلا حذف کردند. آن که الان چاپ شده بخش فقهی آن کتاب است، اما متن کامل کسی بخواهد نگاه کند.

البته انصافا خوب بود این متن کامل چاپ می شد چون افرادی که اهل تحقیق هستند می توانند با مطالعه‌ی آن متن کامل خیلی از نکات را پیدا بکنند و بالفعل هم دارد انصافا آن نسخه نکات خیلی ظریف و لطیفی دارد چون حالا محل بحث ما نیست نمی خواهم وارد بشوم احیاء آن نسخه خیلی اثرگذار است. یکی از آثارش را هم امروز می گوئیم. آن نسخه چه آثاری داشته است.

علی ای کیف ما کان مرحوم آقای ربانی این تنبه را در این زمان پیدا کرد چون نوادر چاپ نشده بود، فقه الرضا هم چاپ شده بود، ایشان در همان چاپ سنگی فقه الرضا این نوادر را پیدا کرد و تنبه ایشان است، تنبهات خوبی دارند و محل واقعا محل تقدیر است این کار ایشان، مرحوم صاحب وسائل در باب یازده حدیث را نقل می کنند، می خواهید بخوانید باب یازده.

یکی از حضار: آخر ندارد، آن ذیلش را ندارد. الحدیث دارد.

آیت الله مددی: خوب اشکال ندارد.

در باب یازده ناقص نقل می کند الحدیث

یکی از حضار: لا یمین فی غضب ولا فی

آیت الله مددی: نه سند، ایشان علی بن ابراهیم عن محمد بن علی، عرض کردم بعید می آید اما ظاهرا چون ما این سند را کم داریم عاداتا محمد بن علی در این طبقه در قم ابو سمینه است، عرض کردیم ایشان شخصی بوده اهل کتاب بوده، کتاب های شیعه را از کوفه به قم آورد و خیلی هم به او احترام کردند خود احمد اشعری او را در خانه راه داد بعد گفت این آقا کذاب است دروغ گفته از خانه بیرون کرد از قم هم بیرونش کردند. اما از میراث های قمی روایاتش بیرون نرفته است حالا خودش را بیرون کردند روایاتش هنوز در کتب ما موجود است حتی در کافی هم موجود است و کسی که بیشترین میراث های ایشان را نقل می کند مرحوم برقی است.

برقی و داماد برقی به حساب ماجیلویه داماد برقی ایشان هم زیاد نقل می کند، معمولا علی بن ابراهیم خیل متعارف است نمی دانم شاید در کافی همین یک مورد باشد من فعلا یادم نمی آید در کتاب کافی علی بن ابراهیم عن محمد بن علی دیده باشم البته من استقرار ندارم اما یادم نمی آید دیده باشم.

علی ای کیف ما کان ظاهرا ایشان است و طبعاً ایشان ضعیف است، عرض کردم

یکی از حضار: محمد بن الحسین دارد. محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین

آیت الله مددی: نه این سند دیگری است، بله.

مرحوم کلینی دو بار نقل کرده است. یکی از راه علی بن ابراهیم یکی از راه محمد بن یحیی، این هم جداگانه، آن وقت در اینجا صاحب وسائل یک راهش را آورده است. راه دوم را نیاورده است. عرض کردم ناقص می آورد یک راهش را آورده است. بعدش گفته ورواه الشيخ باسناده عن محمد بن یعقوب بعد از این عبارت دارد مرحوم آقای ربانی ملتفت این، می گویم نکته خوب دقت کنید،

مرحوم آقای ربانی می گوید درست است شیخ آورده عن محمد بن علی لکن عن محمد بن یحیی نه عن علی بن ابراهیم این ظرافت هایی

که گفتم مراعات کرده دقت کردید؟

یکی از حضار: گفته صاحب وسائل وعن علی بن ابراهیم، گفته

آیت الله مددی: در آن باب شانزده است.

یکی از حضار: این باب شانزده.

آیت الله مددی: نه اینجا باب یازده یک بار آورده فقط، محمد بن یحیی را نیاورده است.

بعد دارد ورواه الشيخ باسناده عن محمد بن یعقوب، آقای ربانی حاشیه زده شیخ این سند را، درست است از محمد بن یعقوب نقل می کند، لکن عن محمد بن یحیی نه عن علی بن ابراهیم چون این حدیث واحد دو تا سند دارد در کافی، این تنبه مرحوم آقای ربانی است، من عرض کردم این ها یک نکته سنجی هایی بسیار لطیف و ظریفی است که قدرت حدیثی و اطلاع حدیثی افراد شناخته می شود این لطافت کار ایشان است. می گوید آقا در کتاب تهذیب هست اما اینطوری است. محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی و هست این هم هست آن هم هست هر دو هست اشتباه کرده صاحب وسائل، چون صاحب وسائل اینجا گفته عن علی بن ابراهیم، می گوید این در تهذیب نیست، در کافی هست همین حدیث هم هست، حدیث یکی است لکن دو تا سند است، مرحوم شیخ طوسی به آن سند دیگر نقل کرده نه با این سند، این هم حاشیه ی مرحوم آقای ربانی نمی دانم در این چاپ جدید این حاشیه را نوشتند یا نه، این من می خواستم نکته را خدمتان، که این لطافت و نکته سنجی است ها، خیلی تاثیر ندارد در مطلب.

اما این لطافت و نکته سنجی که اشتباه به قلم صاحب وسائل رفته، طبعاً خود صاحب وسائل هم واقعا مرد فوق العاده ای است انصافاً نمی شود انکار کرد. ایشان بعد از نوشتن یک دوره ی دیگر کل وسائل را مقایسه کرده مقارنه کرده است خیلی زحمت کشیده ایشان و واقعا هم خیلی خوش سلیقه است انصافاً این که هنوز ما هنوز به ایشان احترام قائلیم نه اینکه بعدی باشد واقعا خیلی خوش سلیقگی به کار برده بعضی اشتباهاتش را یک تعلیقه ای زده خود ایشان خود صاحب وسائل در مراجعه ی بعدی یک تعلیقه ای زده بعضی از اشتباهاتی که خودش

انجام داده تصحیح کرده است، بیان کرده است. این تعلیقه‌ی ایشان هم در اختیار آقای ربانی نبوده در چاپ آقای ربانی اصلا نیست این تعلیقه منحصر در این چاپ آقایان آل البیت است. در آل البیت این تعلیقه را چاپ کردند این خیلی ارزش دارد.

این مراجعه‌ی بعدی است که مرحوم صاحب وسائل به کتاب خودش کرده انصافا هم تعلیقات زیبایی است و لطیف است و استادانه نوشته خود کتاب را هم استادانه نوشته مرد فوق العاده‌ای است صاحب وسائل انصافا در طی بیست سال زحمت کشیده با اینکه ایشان شیخ الاسلام خراسان هم بوده امور اجرایی خراسان هم با ایشان بوده، با داشتن امور اجرایی و قضایی توانسته این کتاب را بنویسد به این لطافت خیلی نکات لطیف دارد انصافا و هنوز هم ظرافت‌های خاص خودش را دارد.

علی ای حال این راجع به این کتاب و راجع به این مطلبی که بود.

حدیث را تا اینجا آوردند این سند خوب ضعیف است به خاطر محمد بن علی که محمد بن علی محبوب بعدش را بخوانید آقا، محمد بن علی.

یکی از حضار: عن کافی

آیت الله مددی: بله از کافی بخوانید.

یکی از حضار: موسی بن سعدان

آیت الله مددی: موسی بن سعدان ایشان از مشایخ کوفه است و مرحوم نجاشی گفته عده‌ای از کتب دارد لکن از عجایب کار، یعنی از عجایب قضایای اتفاقیه یک کتاب معروفی داشت به نام طرائف، کتاب طرائف و این کتاب تا قرن چهارم موجود بوده است. این خیلی لطیف است یعنی این کتاب همین موسی بن سعدان تا قرن چهارم موجود بوده البته ما الان نداریم و دلیلش هم این است، این نکته را عرض کردم چون ما بحث فهارس را مستقلا مطرح می‌کنیم عرض کردیم یکی از کتاب‌هایی که به درد فهرست می‌خورد یک کتابی است که مرحوم ابو غالب زراری تقریبا متوفای سیصد و شصت و خورده ای است مرحوم شیخ مفید از ایشان نقل می‌کند، استادش است، بسیار مرد بزرگوار، شیخ الشیعة فی زمانه، مرد بزرگواری است یک شرح حالی از خاندان زراره و خاندان زراری‌ها داده است.

زراره چون مشهور بود بقیه‌ی برادرها را هم به نام زراری می‌خوانند، خود این ابو غالب به نظرم از خاندان بکیر است، یعنی زراره عمومی مثلا جدش می‌شود، لکن به خاطر عظمت زراره کل این خاندان خود اولاد زراره و اولاد برادرهایش را همه می‌گفتند زراری، ایشان یک شرح حالی راجع به خاندان زراره نوشته است، خیلی کتاب قشنگی است، خیلی انصافا زحمت کشیده آن وقت در آخر کتاب این کتاب را مثل شبه به حساب وصیت نامه‌ای است و اجازه‌ای است اجازه‌ی حدیثی است به نوه‌ی خودش، پسر پسرش، دو سال داشته است.

لذا معروف بوده که اجازات حدیث را به بچه‌ی کوچک هم می‌دادند اما وقتی به سن بلوغ می‌رسید باید اجازه را نقل می‌کرد. دو سال داشته و انصافا خیلی فواید لطیف تاریخی دارد، خیلی کتاب قشنگی است، اخیرا دو بار چاپ شده یعنی یک بارش هم با تحقیق چاپ شده آقای جلالی حفظه الله، من الله علیه بالشفاء ایشان زحمت کشیدند چاپ کردند خیلی فواید دارد یکی از فواید بسیار بسیار خوب کتاب آخر کتاب یک اجازه‌ای به کتب به ایشان می‌دهد، کتابخانه‌ای که داشته کتاب‌هایی که موجود داشته، این فهرست ایشان کتاب‌های موجود تا تاریخ نیم‌ی قرن چهارم را نشان می‌دهد از این جهت، من جمله از کتاب‌ها می‌گوید کتاب الطرائف لموسی بن سعدان، این هم خیلی عجیب است هنوز کتاب تا آن زمان موجود بوده، ایشان در آن لیستی که از کتابخانه‌ی خود اجازه می‌دهد به نوه‌ی خودش یکی اش همین کتاب است آن لیست ایشان فهرست ایشان خیلی ارزش تاریخی و علمی هم دارد.

حالا شاید یک جای دیگر هم محل کلام شد.

آن وقت راجع به موسی بن سعدان مرحوم نجاشی دارد کان ضعیفا فی الحدیث خوب دقت کنید، نمی‌گوید خودش ضعیف است می‌گوید ضعیف فی الحدیث که من توضیحاتش را عرض کردم در مبانی حدیثی که حالا بخواهیم توضیح بدهیم آن مبانی را یکی یکی مبانی که چطور افراد ضعیف می‌شوند از بحث ما کلا خارج می‌شود اما معلوم می‌شود خودش ضعیف نیست. حالا ببینیم ضعیف ایشان در اینجا از کجاست از موسی بن سعدان بعد از ایشان؟

یکی از حضار: بعد عرض کنم عبدالله بن قاسم.

آیت الله مددی: این عبدالله بن قاسم مشکل دارد، موسی بن سعدان از ایشان نقل کرده، البته راجع به عبدالله بن قاسم بحث مفصل

است غالبا دو تا گرفتند چون هم نجاشی دو تا ذکر کرده هم مرحوم شیخ طوسی هر دوشان دو تا ذکر کردند.

یکی از حضار: این حضرمی دارد،

آیت الله مددی: یکی حضرمی، یکی هم آن حارثی.

یکی از حضار: معاویه بن عمار دهنی

آیت الله مددی: دیگر حالا، حالا دیگر وارد بحث نمی‌شویم چون بحث‌ها رجالی است ما در این بحث‌ها پیمان تا آن مقداری که مربوط

به حدیث است یک توضیحی می‌دهیم بقیه‌ی بحث‌های رجالی در محل خود.

یکی از حضار: کذاب غال یروی عن الغلاة لا خیر فیه

آیت الله مددی: بله این تند‌ها را غالبا ابن غضائری دارد راجع به ایشان.

عرض کنم که ایشان معروف بوده به بطل، بطل پهلوان، حالا شاید هیکل درشتی هم داشته نمی دانم، به هر حال عبدالله بن قاسم، به نظر ما البته این ها یک شرحی دارد یک مقدار طولانی است چون بحث های تخصصی رجالی است یک مقداری طول می کشد، به نظر ما حق با مرحوم آقای نستری است می گوید هر دو نفر یکی هستند اشتباه شده، راست می گوید و سر تکرار باید دنبال نکته اش گشت، بخواهم الان این ها را اینجا شرح بدهم طول می کشد حالا اجمالا آن یکی هم، یکی اش را آقای خوئی قبول می کند یکی را قبول نمی کند، به خاطر اینکه در کامل الزیارات

به هر حال عبدالله بن قاسم به طور مطلق به نظر ما همان بطل است و همان به حساب از غلاة است و ظاهرا اساسا در ابتدا کوفه آمده اما اساسا بصری است.

یکی از حضار: واقفی هم گفتند

آیت الله مددی: بله،

و ظاهرش این است که ایشان میراث حدیثی اش از میراث بصره است و میراث بصره عرض کردم مشکل دارد. البته در اینجا موسی بن سعدان اهل کوفه است، خود ایشان هم احتمالا در آن ایام در کوفه بوده هنوز بصره نرفته، عبدالله بن سنان هم اهل کوفه است.

یکی از حضار: پس چرا طریق را می فرمایید طریقش بصری است.

آیت الله مددی: حالا عرض می کنم عنایت بفرمایید، حتما یک راهی دارد.

عرض کنم حضور با سعادتتان و این ظاهرا اعتماد بر ایشان فوق العاده مشکل است فوق العاده، حدیث به لحاظ ایشان مشکل دارد. لکن یک نکته ی دیگر هم در نظر بگیرید در باب ایمان عبدالله بن سنان غیر از این هم روایت دارد چون دیگر نمی خواهم وارد بحث های طولانی بشوم آقایان اگر کتاب ایمان نگاه کنند، از این سنخ روایات عبدالله بن سنان دارد اما این یکی منفردا از این راه به ما رسیده است. پس اشکالات سندی که در اینجا هست تقریبا از اول سند است، یک جناب مستطاب محمد بن علی صیرفی دو جناب مستطاب موسی بن سعدان و سه خود عبدالله بن قاسم، حدیث انصافا مشکل دارد، انصافا به لحاظ سندی و بعد هم چون عبدالله بن سنان معروف بوده این هم یک مشکلی است که یک شخص مشهوری مطلبی بگوید و کسی از او نقل نکند جز همین شخصی که مثلا متهم است. این هم خودش یک مشکلی است خودش یکی از مشکلات این فن است.

این راجع به سند اولی که الان خوانده شد.

در باب شانزده بیاورید.

یکی از حضار: عبدالله بن قاسم متهم به غلو است.

آیت الله مددی: غلو هست، کذب هست، خیلی فضائل زیادی دارد یکی دو تا نیست.

یکی از حضار: کتاب عبدالله بن سنان که خیلی معروف بوده حالا شاید

آیت الله مددی: بله این همان، این یک ضعف دیگر درست می‌کند، که این شخص مشهور کتابش مشهور مع ذلک کله

یکی از حضار: پدرش سنی بوده؟

آیت الله مددی: احتمالاً سنی متمایل بوده، من نوشتم ملازم بوده متمایل بوده

یکی از حضار: میراثش هم از طریق واقفیه است.

آیت الله مددی: علی ای حال عبدالله بن سنان مشهور و دارد حدیث در ایمان عجیب است که این حدیثش در اینجا فقط از این راه

رسیده.

بعد جلد شانزده را نگاه کنید، ببینید آقا در باب شانزده، نه جلد، در باب شانزده ایشان باز برای این جهت قرار داده حالا من یک نکته‌ای

را چون اینجا دیگر نمی‌رسیم بعد از این یک نکته‌ای را در اینجا عرض بکنم.

در باب شانزده در ذیل همین باب که این روایت را آورده حدیث رفع را مرحوم صاحب وسائل اینجا آورده، رفع عن امتی را اینجا آورده

است. یعنی در کتاب ایمان باب شانزده به مناسبت ایشان رفع عن امتی است، اینجا نقل کرده است. جای دیگر هم در امر به معروف و جهاد

نفس هم دارد اما اینجا هم آورده است. این یک نکته.

می‌خواهید بخوانید حالا آخر باب شانزده.

یکی از حضار: احمد بن محمد بن عیسی

آیت الله مددی: آها از این جا از کتاب احمد اشعری همین نوادری که خدمتتان عرض کردم. همین نوادر که الان شرح حالش را خدمتتان

عرض کردم. ایشان از این کتاب نوادر نقل می‌کند که عرض کردم آقای ربانی هم ذیلش می‌نویسد فقه الرضا، این فقه الرضای چاپ قدیم

نه فقه الرضای فعلی، ایشان از نوادر نقل می‌کند عن اسماعیل جعفی به عنوان اسماعیل جعفی از ایشان نقل می‌کند و شنیدم بعضی از

آقایان معتقدند که این سندهای حدیث رفع ضعیف است و این یکی درست است و به نظرم این اضعف من الكل است خوب توجه نشده

حالا وارد بحث‌های فنی‌اش نشویم، اینها خیال کردند که اسماعیل جعفی در درجه‌ای بوده که مرحوم احمد اشعری از او نقل بکند.

اسماعیل جعفی اصولاً شاید اوائل زندگی حضرت صادق را درک کرده است. اسماعیل جعفی اصلاً حضرت باقر و حضرت سجاد درک

کرده مختصری به زمان موسی بن جعفر قطعاً، اصلاً اواخر عمر حضرت صادق را هم درک نکرده است. ایشان اسماعیل بن عبدالرحمن جعفری است که به اصطلاح امام صادق را هم کامل درک نکرده و یک شرح طولانی دارد و اینجا هم از آن مواردی است که حتی مرحوم نجاشی اشتباه مرتکب شده حالا دیگر وقتی کار به اشتباه به نجاشی برسد دیگر بفهمید که خیلی مورد پیچیده است. اینجا متأسفانه مرحوم نجاشی اسماعیل بن جابر جعفری را آورده، این اشتباه نجاشی است، جابر جعفری نیست، اسماعیل بن جابر جعفری نیست، جعفری همین اسماعیل بن عبدالرحمن است.

علی ای حال این سند فعلاً ضعیف است من همان مقدمه‌ای که گفتم اینجا بگویم، تعجب مرحوم صاحب بحار، اینجا را هم آقای ربانی چون نوشته حالا من اضافه می‌گویم، مرحوم صاحب بحار، چون مرحوم صاحب بحار، مرحوم شیخ مجلسی قدس الله سره الشریف در جلد دو و اواخر جلد دو یک بابی قرار داده مثلاً روایتش کلی است، اصول علم مثلاً، امور کلی که از اهل بیت نقل شده، من جمله حدیث رفع را آن جا آورده است. دقت کردید.

آن وقت عجیب این است که رمز زده ین، ین یعنی همین کتاب نوادر، اینجا گیر داریم ما، همین حدیث با همین متنی که اینجا مرحوم شیخ حر از نوادر آورده ایشان از ین آورده با رمز ین، ایشان در آنجا دارد فضاله عن سیف بن عمیره یا عمیره هر دو ضبطش درست است، عن اسماعیل جعفری، این خیلی عجیب است. اما این دو تا اسم الان در کتاب نوادر نیست.

حالا معلوم شد نوادر دو نسخه داشته یک نسخه در اختیار مجلسی بوده یک نسخه در اختیار شیخ حر بوده این ها یک نکات ظریف بسیار ظریف فنی است چون در این نسخی که من از وسائل دارم نوشته این نکته را نوشته نمی‌دانم در جامع الاحادیث این کار را کردند نگاه کنید جامع الاحادیث این حدیث را استخراج کرده یا نه؟ چون من این را در نسخه‌ی حاشیه‌ی وسائل خودم استخراج کردم. این از جاهایی است که خودم استخراج بر حاشیه‌ی وسائل نوشتم از ین نقل می‌کند در بحار این هم چیز عجیبی است.

چون اگر این کتاب چون احتمالاً برای حسین بن سعید است اگر برای حسین بن سعید باشد این سند شکلاً صحیح است انما الکلام در ثبوت نسخه، چون حسین بن سعید از فضاله زیاد نقل می‌کند، بلکه احمد اشعری از فضاله نقل نمی‌کند اما حسین بن سعید نقل می‌کند. یکی از حضار: نجاشی ندارد این عبدالرحمن، اسماعیل بن.

آیت الله مددی: چون ایشان کتاب ندارد. اسماعیل بن عبدالرحمن.

یکی از حضار: خوب همین پس چطور فرمودید اشتباه شده است؟

آیت الله مددی: آن که صاحب کتاب است اسماعیل بن جابر است، آن صاحب کتاب است، آن جعفری نیست اشتباه نجاشی ایشان، نجاشی اصرار دارد که ایشان جعفری است.

یکی از حضار: بسطام الحصین بن عبدالرحمن جعفری شاید

آیت الله مددی: این اسماعیل بن عبدالرحمن راوی هست اما صاحب کتاب نیست. نجاشی هم ندارد چون صاحب کتاب نیست. علی ای حال چون بحث طولانی و خیلی تخصصی و این را مرحوم آقای تستری در قاموسی یکی از جاهایی که فواید بی نظیر قاموس است متفرد است خیلی هم لطیف است البته باز هم بحثش ناقص است ما تکمیلش کردیم و تعجب است که خیلی بعضی از ایشان آمدند ملتفت نکات لطیفی که ایشان گفتند نشدند.

علی ای حال این نکته را مرحوم آقای تستری دارد اسماعیل بن جابر جعفری در کتاب نجاشی آمده اصرار هم دارد که این کلمه‌ی جعفری درش هست، دو تا دلیل ذکر می‌کند و ما توضیح دادیم که این دو دلیل ایشان روشن نیست متأسفانه مشکل دارد هر دو دلیل ایشان و اسماعیل بن جابر جعفری نیست البته آقای تستری اصرار دارد ایشان را خثعمی، می‌گوید ایشان خثعمی است. آن احتمالش هست اما آن هم خیلی روشن نیست. اما احتمالش هست به هر حال جعفری نیست حالا خیال کردند این پسر جابر بن یزید جعفری است. نه پسر او نیست ربطی هم به او ندارد. توضیح موكول الی محله خیلی به نظرم یک وقت در بحث فقه بود در کجا بود سه چهار روز راجع به این مطلب صحبت کردیم. احتیاج به شرح دارد که به این موجز گفته نمی‌شود.

علی ای کیف ما کان آن چیزی که خیلی عجیب است این دو تا معاصر تصادفاً هر دو تا هم به هم اجازه دادند یعنی مجلسی به شیخ حر اجازه داده شیخ حر هم اجازه به مجلسی داده در اصطلاح علمای حدیث می‌گویند اجازه‌ی مدبجه، دال و باء و جیم و میم اولش، مدبجه یعنی هر کدام به دیگری، دو تا از معاصرین به همدیگر اجازه بدهند اصطلاحاً می‌گویند اجازه‌ی مدبجه، یک اجازه‌ی مدبجه هم بین این دو بزرگوار هست یعنی مرحوم مجلسی به ایشان و کتاب هم یکی است. کتاب نسخه به نحو و جاده به ما رسیده تاریخ نسخه‌ای که مرحوم شیخ حر گفته هزار و هفتاد یا هشتاد است خیلی متاخر است لذا ارزش علمی که الان حجیت بدانیم نه اما به هر حال این یک چیز عجیبی است که مرحوم شیخ حر فقط می‌گوید اسماعیل جعفری ایشان سند می‌آورد این سند صحیح است خوب دقت کنید، سند صحیح است اما نسخه ثابت است یا نه بحث دیگری است. این سند فضاله عن سیف عن اسماعیل جعفری این سند صحیح است. این سند صحیح است. اما کتاب ثابت هست یا نه آن بحث دیگری است که انصافاً اثبات کتاب و اینکه مرحوم صاحب وسائل این را کتاب نوادر احمد

گرفته انصافا روشن نیست بیشترین احتمال این است که کتاب حسین بن سعید باشد ، اگر کتاب حسین بن سعید نباشد که احتمالش هم هست، کسی که از اینجا نقل می کند از کتاب حسین بن سعید مابشرتا نقل کرده است .

ما هم یک احتمالی دادیم احتمالش البته احتیاج به خیلی کار دارد، کتاب مدینه العلم صدوق ، چون این کتاب الان وجود ندارد، مدینه یعنی کسی از او خبر ندارد، احتمال دادیم قطعه ای از کتاب مدینه العلم صدوق باشد و التوضیح موكول الى محله .

علی ای کیف ما کان فقط می خواستم این نکته را بگویم که گفتم مرحوم مجلسی این جا خیلی عجیب است نمی دانم حالا چه شده که نسخه اختلاف افتاده در این باب شانزده ایشان حدیث را می آورد دیگر حالا چون وقت ما هم گذشت آقا تند تند این حدیث را در باب شانزده بخوانید تا من عرض کنم. در باب شانزده ایمان .

یکی از حضار: محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین

آیت الله مددی: ببینید محمد بن یحیی استاد ایشان از بزرگان قم هست فوق العاده جلیل القدر است از محمد بن الحسین از بزرگان اهل کوفه است من همیشه عرض کردم با اینکه نجاشی خیلی مدح ایشان نوشته خیلی و خود عبارات نجاشی را هم جداگانه شرح دادیم، به نظر من شخصا این است که ایشان از آن که نجاشی گفته باز بالاتر است. خیلی مرد فوق العاده ای است شانس ایشان بوده که در کوفه مانده و الا اگر در بغداد بود هم تراز ابن ابی عمیر یا قوی تر از ایشان ، خیلی میراث های خوب دارد مرد فوق العاده ملایی است، در زمان اوایل غیبت صغری دویست و شصت و یک فوت می کند، در زمان امام هادی و امام عسکری درک کرده، ببینید این جور مشایخ که عهد ائمه را درک کردند خوب دقت کنید، این جور مشایخ یکی از امتیازاتشان این است که شاید این حدیث را شواهدی از امام موجود داشتند دقت می کنید. لذا ولو سند ، روشن شد چه می خواهیم بگویم ؟ ولو سند اصطلاحا ضعیف باشد لکن این جور مشایخ در سند بیاید خیلی تاثیر گذار است.

یکی از حضار: حدیث عمر بن حنظله

آیت الله مددی: همین را گفتیم ، همین را گفتیم، و لذا عرض کردیم مثلا حدیث عمر بن حنظله کسی از شاگردان عمر نقل نکرده است، ابن حنظله که ، فقط داوود بن حسین بعد از داوود بن حسین یکی دو نفر نقل کردند و محمد بن حسین بعد از او نقل کرده است. این که می گویند مقبوله من به نظرم مقبولیتش از زمان امام هادی و عسکری است ، چون این را کسی ننوشته حالا چون ایشان فرمودند این در محلش گفتید، مقبولیت، چون اینها دنبال، چرا به آن مقبوله گفته شد چه تاریخی این مقبوله شد؟ شخصیتی مثل محمد بن الحسین بن ابی

الخطاب یک مرد فوق العاده‌ای است حالا اگر احادیث شد چون بحث مکاسب است حدیث کم داریم اگر جای دیگری بود زیاد شرح حال ایشان را می‌گفتیم. یک نکاتی در حدیث دارد که فوق العاده است.

اینکه ما می‌گوییم بحث فهرستی که من می‌گویم مراد من این است که حدیث را گاهی به عنوان خود حدیث نه سند و راوی اش را یعنی مثل محمد بن الحسین بعد محمد بن یحیی مثلا از مشایخ بزرگ قم اینها خودش علامات قبول بوده این روش، روش را اسمش را گذاشتیم فهرستی، اعتماد بر مشایخ.

یکی از حضار: روش مشایخی فرق می‌کند؟

آیت الله مددی: این هم زیر مجموعه‌ی فهرستی است. این هم گاهی اسمش را روش مشایخی گذاشتیم گاهی روش فهرستی این روش مشایخی است اعتماد بر، مشایخ عادی هم نیستند، لولا خوف وقت من برای فواید زیادش می‌گفتم عبارت نجاشی در محمد بن الحسین را شرح، چون نجاشی چهار پنج جا مطلب راجع به ایشان آورده هر مطلبش یک نکته است.

یکی از حضار: کثیر الروایة، عین، حسن، مسکون الی روایت،

آیت الله مددی: ببینید مسکون الی روایت ببینید، بعد از ثقة، عین، دقت کردید، گفته شده اگر در باره‌ی کسی گفت مسکون الی روایت بقیه‌ی سند را نگاه نکنید.

یکی از حضار: یعنی از آن آدم تا امام.

آیت الله مددی: ها دیگر تمام شد. این را مرحوم آقای ابطحی در تهذیب المقال آوردند تبه خوبی است ایشان هم یک مقداری در آنجا این تبهات را دارند. این جور تبهات اصولا در شرح رجال نجاشی من کم دیدم.

به هر حال این یک نکاتی، این مسکون الی روایت روشن شد؟ یعنی دیگر بعد از ایشان را نگاه نکنید، دیگر نگاه نکنید عبدالله بن قاسم کذاب ضعیف و اینهاست این جزو مشایخ بسیار بزرگ و جلیل القدر و راست هم می‌گوید کثیر الروایة است اصلا ما گفتیم ایشان بعضی از کتب را نقل کرده که کسی غیر از ایشان نقل نکرده است، توضیحاتش را دادیم حالا نمی‌خواهیم وارد این بحث بشویم. اینها را مرحوم نجاشی نوشتند بنده اضافه کردم، انصافا مرد فوق العاده‌ای است این شخص مرد بسیار بزرگی است و یکی از جهاتی که قبول می‌کردند روایت را وجود این شخص بود، مخصوصا معاصر دو امام بزرگوار امام هادی، اوائل غیبت دویست و شصت و یک وفاتش است،

یکی از حضار: شصت و دو.

آیت الله مددی: شصت و دو.

.....
اوائل غیبت صغری است، امام هادی و امام عسکری را درک کرده است و احتمال اینکه مثلاً تلقی مذهبی حساب بشود یعنی بین شیعه قبول شده است. مقبوله بوده است.

حالا این تا محمد بن الحسین بعد هم دیگر من زود تمامش کنم، بعدش بعد از ایشان آقا

یکی از حضار: سعدان دیگر

آیت الله مددی: موسی بن سعدان، دیگر به موسی بن سعدان، البته عرض کردم موسی بن سعدان تضعیف ندارد، آقایان گفتند تضعیف، تضعیف ندارد، تضعیف فی الحدیث است عرض کردم تضعیف فی الحدیث تضعیف نیست، اگر نجاشی گفت تضعیف یا کان ضعیفا این تضعیف است اگر گفت تضعیف فی الحدیث این تضعیف نیست. کان ضعیفا فی الحدیث تضعیف نیست. یعنی مبانی حدیث شناسی اش ضعیف است نه اینکه خودش ضعیف است.

عرض کردیم مثلاً مرحوم آقای شیخ عباس قمی نه اینکه فقط ثقه است واقعا طبق معلوماتی که ما داریم فوق وثاقت خیلی جلیل القدر زهد و ورع و تقوا و زحماتی که در حدیث کشیده و خیلی مرد فوق العاده ای است، لکن خوب در مبانی حدیثی قوی نیست مثلاً در همین مفاتیح نگاه کنید شیخ طوسی در تذهیب به سند معتبر مراجعه می کنید معتبر نیست، حالا ایشان اشکال به ایشان وارد نیست دروغ نگفته ایشان نظرش بوده که کتب اربعه قبول است، نظر است دیگر مبناست، مبنایش این بوده اگر حدیث در تذهیب است صحیح است قابل قبول است. سند معتبری یعنی کتاب تذهیب یعنی کتب اربعه یک کسی مبنایش این شد ضعیف نیست، مبنا را قبول نداریم. دقت کردید. این که می گوید سند معتبر دروغ نگفته اشتباه نشود.

یکی از حضار: اگر این بود نیاز نبود بعد از این بگوید کتب اربعه بعد تذهیب بعد بگوید سند معتبر.

آیت الله مددی: خوب همین چون تذهیب آورده می گوید معتبر قبول داریم،

یکی از حضار: نیازی نیست.

آیت الله مددی: برای اینکه بگوید من قبول دارم. راست هم هست مبنا، این مبنا قابل قبول ما نیست اما خود ایشان فوق وثاقت است خود ایشان فوق العاده جلیل القدر است. منافات ندارد. دقت فرمودید، بخوانید آقا بعدی اش را.

یکی از حضار: عبدالله بن سنان.

آیت الله مددی: عن عبدالله بن قاسم بعد عبدالله بن سنان، بله بعد بعد از این صدوق، بخوانید صدوق را ورواه الصدوق باسناده عن

عبدالله این درش ضعیف زیاد دارد سندش.

یکی از حضار: محمد بن علی ماجیلویه عن عمه محمد بن علی بن قاسم

آیت الله مددی: نه این برای سندش نیست این معانی الاخبار است نه آن که در مشیخه دارد از حسین پسر احمد بن ادریس از همان اول ضعیف است ضعف دارد آن حالا دیگر بخواهیم یکی یکی شرح بدهیم. بعد مرحوم صدوق در چند کتاب دیگر آورده است. این نشان می دهد که این حدیث در میراث حدیثی قم در قرن چهارم جا افتاده است این را می خواستم بگویم، ما هم که الان بعد از هزار و صد سال الان در قم هستیم بحث می کنیم در قرن چهارم این جا افتاده است، هم کلینی آن را آورده و هم صدوق آن را آورده بعد مشایخ بزرگ در حدیث هستند درش ضعاف هم هستند مشایخ بزرگ هم هستند، صدوق هم چند بار آورده بعدها شیخ طوسی هم قبول کرده این ها انصافا نشان می دهد که .

دیگر حالا عبدالله بن قاسم بطل کذاب درست است حالا قبول کردیم که ، لکن این حدیث شواهد قبول فوق العاده زیاد دارد، مرحوم صدوق این را از محمد بن علی ماجیلویه نقل می کند عن عمه اینجا هم یک بحث مفصلی دارد که حالا من نمی خواهم وارد بشوم ما هم یک حرف های خاصی داریم، بفرمایید آقا بخوانید آن سند را .

یکی از حضار: این الان آن چیز را دارد بعدیش دارد محمد بن قاسم عن محمد بن علی الكوفی پس معلوم می شود ابو سمینه است.

آیت الله مددی: ابو سمینه است. محمد بن علی کوفی که ماجیلویه از او نقل می کند همان است.

این ماجیلویه داماد برقی است این ها هردوشان از او نقل می کنند، داماد برقی و برادر زن از او نقل می کنند،

یکی از حضار: عن موسی بن سعدان

آیت الله مددی: سعدان .

یکی از حضار: وترک قوله

آیت الله مددی: ها اینجا اختلاف دارد این نسخه صدوق و لذا در معانی الاخبار این را آورده این دقت صدوق است. در آن نسخه ای

که در فقیه بوده، بوده در نسخه ای معانی این نسخه شناسی است این بحث فهرستی است باز دو مرتبه این مشکل دارد این سند

یکی از حضار: صدوق فرق می کند در دو جا

آیت الله مددی: آها دو جا فرق می کند، دقت کردید چقدر ظریف بوده کارها الان این کارها دیگر کلا رفته پی کارش ، اصلا صدوق از

حسین پسر احمد ، این حسین را هم عرض کردیم کرارا پدرش از اجلاء است ایشان آقازاده است توثیق ندارد، حسین بن احمد، احمد بن

ادریس از بزرگان اشاعره ی قم است که خیلی وقت ها کلینی به او می گوید ابو علی اشعری ، ابو علی اشعری همین ایشان است بسیار

متن کامل مطابق با صوت دروس خارج فقه حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

یکشنبه - ۲۹/۱۰/۲۰۲۳ - ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

موضوع: خارج فقه - بیع

صفحه ۱۶

جلسه: ۱۹

.....
بزرگوار، پسر ایشان توثیق نشدند استاد صدوق است، ایشان از این راه نقل می‌کند، مشیخه را از این راه کتاب فقیه، اما اینجا از ماجیلویه ،
محمد بن علی ماجیلویه نقل می‌کند.

علی ای حال صدوق دو سه تا راه دارد شیخ طوسی هم از طریق کلینی نقل می‌کند، انصافاً حدیث به لحاظ شواهد خیلی قوی است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين